



۲۰۱۹/۱۱/۱۴

محمد داؤد مومند

تفتین و اغواگری های نشراتی افغان جرمن از پرنسیپ های نشراتی



قسمت دوم

انجنیر صاحب قیس جان در نوشته خود تحت عنوان «عطف توجه به نوشته های مسموم کننده آقای معروفی» در یک قسمت چنین نگاشته است: (آقای معروفی بازهم با همان سبک بچه های لچک شور بازار مرا پسر کبیر رنجبر خطاب میکند.)

متکی بر تأثر و بر آشفتنگی و عکس العمل شدید قیس جان در زمینه، مکثی در مورد نموده و مطلب را ذیلاً در معرض محاسبه و منطقه قرار میدهم:

استاد معروفی تنها نوشته اند که پسر کبیر رنجبر، و نوشته اند که پسر کبیر رنجبر پرچمی یا خلقی و یا جاسوس کی - جی - بی. و امثالهم، فلذا فهمیده نشد که درد قیس جان کبیر ناشی از کدام ناحیه است و چرا اینقدر عصبانی شده اند؟

اگر قیس جان تنها و صرف تذکر پسر بودن کبیر خان رنجبر را از طرف استاد معروفی بد اخلاقی و لچکی به سویه لچک های شور بازار تلقی می کنند لطفاً به شمه ای از امثله لجن تهوع آور، رفقا هم فکر و هم مشرب ویب سایت خود ذیلاً توجه معروض دارند، اما قبل از اینکه به امثله مد نظر بپردازم از شاغلی قیس جان سوال می کنم که چرا منطقه و کوچه تاریخی شوربازار را به حیث مرکز لچک های افغانستان در ادعای ناموزون خود انتخاب کرده است؟

شور بازار محل بود و باش خانواده بزرگ و معروف مجددی بود، چنانکه نور المشایخ فضل عمر مجددی به نام حضرت شور بازار شهرت داشت. هر روز گروه های مریدان پشتون تبار حضرات شور بازار از مناطق غزنی و سمت جنوبی جوقه جوقه به دیدن حضرات شور بازار می آمدند، آیا ممکن بود، لچکی، به آن مریدان که بعضاً مسلح هم بودند به چشم چپ نگاه کنند؟

استغفرالله...

لوی خان بزرگ سمت جنوبی، نایب سالار صاحب زمرک خان فرزند لمر اعلی نشان، غازی ببرک یکی از قهرمانان بزرگ راه آزادی و استقلال در همین منطقه زندگانی داشت، که به قول مؤرخ استاد حداد، ساکنان محله و مردم کابل او را شیر افغانستان نام داده بودند، زیرا وی از زمره کسانی بود که با استرداد اتباع جرمن به دولت انگلیس و قوای متحدین شدیداً مخالفت ورزید.

علاوه بر ذوات متنفذ و مقتدر متذکره یک عده خانواده های بسیار اصیل و با وقار و نجیب کابل در همین منطقه تاریخی بود و باش داشتند.

من بار ها به منطقه شور بازار رفته ام، و آن منطقه را برخلاف ادعای قیس جان یک منطقه بسیار آرام، مملو از صلح و صفا یافته ام.

مگر قیس جان در عمر خود شور بازار را دیده است؟

یا شنیده است که علی آباد شهر است؟

اگر قیس جان به شور بازار رفته باشد، چه اذیتی از ساکنان آن منطقه دیده است که امروز شور بازار گرامی ما را، مرکز بد اخلاقان و لچکان افغانستان قلمداد می کند؟

البته مشکل یگان لچک در جامعه، مختص به یک منطقه و یا یک شهر نبوده بلکه در هر منطقه شهر، اگر وزیر اکبرخان مینه، یا شهرنو و یا ده افغانان یا خیرخانه مینه و یا منطقه دیگر، یگان لچک وجود می داشت، به خاطر دارم باری در شهرنو کابل دو سه نفر لچک یک دختر را از قسمت های چهار راهی حاجی یعقوب که منطقه گشت و گذار جوانان بود، در یک موتر فولکس واگون پراندند و دختر مظلوم فریاد میزد که به لحاظ خدا مرا رها کنید.

با شنیدن صدای دختر مظلوم، خون در وجودم به جوش آمد ولی بدبختانه کاری از دست من ساخته نبود تا آن دختر بیچاره را از چنگ لچک های بی ناموس نجات میدادم.

خوشبختانه وقوع همچو یک عمل غیر انسانی در کوچه و محل محافظه کار و عنعنوی شور بازار متصور نبود.

قیس جان جوان کوشش کن که متوجه گفتارت باشی و از شطحیات به حیث یک جوان تعلیم یافته اجتناب ورزی، ورنه به قول مولانا،

این جهان کوه است و فعل ما ندا.

اکنون بعد از تمهید فوق الذکر برمیگردم به تذکر امثله لجن، تهوع آور منتشره در افغان جرمن:

چندی قبل در دریچه افغان جرمن یکی از هم فکران و همشریان سیاسی قیس جان کبیر، که لجن اتهامات و هتاکه های او، استاد هاشمیان را مجبور به مقاطعه دایمی با ویب سایت افغان جرمن ساخت در مورد یکی

از بزرگترین شخصیت بزرگ علمی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی کشور یعنی شهید ملت میوندوال نوشت که: «میوندوال سمرقندی بچه ملا»

آیا قیس جان گفته می‌توانند که همچو ادعا و گفتار مستهجن با کدام معیار های علم و ادب انسانی و سجایای اصیل افغانی موافقت دارد؟

مگر همچو اهانت از نظر خودت تهوع آور نیست؟

در دریچه افغان جرمن از طرف یکی از اعضای یک خانواده محترمی که به سفارش شان یک اردلی به مقام جنرالی و یک مرزا قلم به مقام ولایت ارتقا می‌یافت باز هم در مورد شهید میوندوال می‌نویسد که: «میوندوال مانند یک جاسوس در زندان به انتحار دست زد»

این سلسله همان هذیاناتی است که در دوره کودتایی سرطانی حسن چپ معروف به حسن شرق ملعون از طریق مطبوعات تحت کنترل یاران بی‌خدای حسن شرق به خورد مردم افغانستان داده می‌شد. تا مردم افغانستان را در زمینه اغفال نموده و ذهنیت مردم ما را در مورد شهید میوندوال مغشوش سازند.

مگر حقیقت چنین نیست قیس جان کبیر؟

یکی از هم‌فکران سردار پرست قیس جان کبیر در مورد پدر مرحوم این جانب محمد داؤد مومند در قسمت تحلیلات چنین مینویسد:

«چرا پدر شما در دوره داؤد خان خانه نشین گردید. مکتوب از دفتر قلم مخصوص صدارت در حصه پدر تان به وزارت داخله ارسال شده بود، در آن مکتوب از اجراءات غیر اصولی و غیر قانونی، از دست برد ها، حتی تجاوز به حریم فامیلی اشخاص آن مناطق تذکر رفته بود.»

قیس جان کبیر!

استاد معروفی در نوشته خود عنوانی شما تنها نوشته بود که شما بچه قیس کبیر هستید، که شما را به سرحد جنون عصبانی ساخت، اکنون به حکم وجدان و شرف افغانی اگر بر آن معتقد باشید، این لجن متعفن که به جز از افراعات امعاً، مفتری و ویب‌سایت شما چیز دیگری تلقی شده نمی‌تواند، چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟ رفیق و هم‌رکاب شما در اهانت نامه خود چنین ادامه میدهد:

«شما مانند دیگران نیستید که بار اول از غزنی آمده باشید در لیلیه پوهنتون شامل شده باشید و بار اول کمود تشناب را دیده باشید و آن را خیال کاسه شوربا خوری نموده باشید.»

قیس جان کبیر این هم مثال دیگری از لجن منتشره و تهوع آور، در وبسایت "افغان جرمن" شماست. غزنی نه تنها یکی از مراکز شاهنشاهی تأریخ افغانستان است بلکه یکی از مراکز علم و ادب و عرفان تاریخ کشور ما و زادگاه و آرامگاه فرزندان فرزانه این سرزمین مانند شمس تبریزی و حضرت سنایی است، یکی از شعرای متصوف، مقام غزنی را بالاتر از فلک میداند.

مرحوم بهایی جان شاعر معروف و ولسی که باری شصت و پنج سال قبل مهمان ما بود و من او را دیده بودم در یک بیت خود چنین می نگارد:

بهایی غزنی ته خم حکیم سنایی ته خم

ولی در وبسایت متعفن و تهوع آور واقعی شما، مردمان آزاده غزنی، از طرف یاران و هم فکران شما، به چنان بی ادبی و گستاخی و کژ اندیشی اهانت می گردد، که حتی در تاریخ مطبوعات دشمنان کشور ما یعنی ایران نیز سابقه ندارد.

مگر چنین نیست قیس جان کبیر؟

جناب عالی شما چندی قبل سوالات مطروحه سیاسی مرا عنوانی شاغلی سید هاشم سدید، سانسور و شوربای باسی تلقی نموده که به ذایقه جناب شما و کدر رهبری حضرات افغان جرمن موافقت نداشت. اکنون سؤال من از جناب شما این است که آیا شوربای متذکره کمود این رفیق و هم عنان شما، به ذوق جناب شما و مجریان عالی مرتبت افغان جرمن برابر است و یا نه؟

آیا ممکن است پاسخ وجدانی شما را در مورد بشنوم؟

پایان قسمت دوم

ادامه دارد

یادونه: که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخور باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بشودنه تر لاسه کړی!

تفتین و اغواگری های نشراتی افغان جرمن

D_momand_taftin_wa_eghwaagari_nasharati_aao_۲.pdf

قسمت اول این مطلب را با کمک لینک پایان مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/D_momand_taftin_wa_eghwaagari_nasharati_aao_۱.pdf